

بِنامِ خدا

تاریخ محرمانه مغول

ترجمه:

پرویز رادع شاهرسی



نشر افروز

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار احمد دمیر
۳۲	پیشگفتار اریک هینس
۴۳	پیشگفتار مترجم
	فصل اول
۴۷	تاریخ نخستین تولد و کودکی تموجین
	فصل دوم
۶۷	جوانی تموجین، ادبانش به دست تایچی‌نوتها دوستی او با اونگخان: کرئیتها، نابودی مرکیتها
	فصل سوم
۸۵	نبردهای صحرا اعلام تموجین با عنوان چنگ کیس کایان به عنوان حکمران مغول
	فصل چهارم
۹۹	تجمع دشمنان به دور جاموخوا برتری موقتی جاموخوا و شکست او
	فصل پنجم
۱۱۴	نخستین پیروزی در مقابل نایمانها بهم خوردن رابطه با اونگخان
	فصل ششم
۱۲۹	نبرد خالخالجیت، پایان کرئیتها

فصل هفتم

- ۱۴۳ مرگ اونگخان و سانگگوم.
پایان نایمانها. مغلوبیت مرکتها

فصل هشتم

- ۱۵۷ فرجام جاموخا.
اعلام چینگگیس به عنوان خاقان اعظم.
تنظیم امور لشکری و کشوری

فصل نهم

- ۱۶۹ (ادامه) تنظیم امور لشکری و کشوری

فصل دهم

- ۱۸۱ تنظیم امور کشیب و ریت.
فرمانبرداری داوطلبانۀ قاراها و ایلها و ورها.
ایلغارها در شرق و غرب.
قتل کوکوجوی شمن.

فصل یازدهم

- ۱۹۳ تصرف چین شمالی. ایلغار بزرگ هفت سالۀ غرب.
تصرف ترکستان و روسیه

فصل دوازدهم

- ۲۰۸ وفات چینگگیس کاغان. انتخاب اوگئندی. ادامه ایلغار غرب.
نابودی دولت کین. گسترش تشکیلات اداری و نظامی
۲۲۵ تعلیقات اریک هینس

نگاهی عمومی به پژوهشهای انجام شده درباره «تاریخ محرمانه مغول»

۱- منابع تاریخی مربوط به دوره مغول

تاری که در اروپا، جهان اسلام، چین و به زبان مغولی درباره تاریخ مغول تألیف شده‌اند

بن مسعود که دولت بزرگ مغول (و یا ترک-مغول) چگونه در وطن باستانی گوگ ترکها در سده ۱۰ زده برپا شده، به سرعت نضج گرفت و با سرنگونی بسیاری از دولتها، موقعیت یک امپراتور را میان ممالک مختلف فرهنگی برعهده گرفت، بویژه ایجاد سریع و قدرت گیری بی نظیر آن، تاکنون دانشمندان بسیاری را به خود مشغول کرده است. بطور کلی دانشمندان اروپایی در پژوهش این دوره تنها توانسته‌اند از آثار نوشته شده به زبانهای غیر از مغولی بهره ببرند که برخی از این آثار توسط تاجران و یا سیاحان میسیونر مانند پلانو کارپینی، ویلهلم فن روبرو و مارکوپولو نوشته شده‌اند. برخی دیگر از آثار نیز توسط مؤرخان مسلمان از جمله ابن اثیر^۱، نسفی^۲، جوینی^۳، وصافی^۴، رشیدالدین^۵، اسفزاری^۶ و

۱. از آنجا که این اشخاص و آثارشان برای همه شناخته شده‌اند، دیگر به جزئیات وارد نشدیم.

۲. ابن اثیر در جلد ۱۲ کتاب خود با نام «کامل فی التاریخ» از «ردن» بحث کرده است. دشون (S.VIII) می‌نویسد که این شخص شاید نخستین مورخ مسلمان باشد که «ولان» رشته است.

۳. محمد بن احمد السفی. شرح حال جلال الدین آخرین حکمران سلسله «خوار» شاهیان را نوشته است. سیرت سلطان جلال الدین منگبرنی. (و یا منکبرنی).

۴. علاءالدین عظاملک بن محمد جوینی. در فصول نخست کتاب سه جلدی خود با نام تاریخ جهانگشای جوینی، از زمان چنگیز، اوکتای و گوینک خان و در جلد سوم نیز از سلطنت منگوقاآن، سفر هلاکو به ایران بحث کرده است.

... تألیف شده‌اند.^۸

همچنین منابع زیر نیز مورد استفاده دانشمندان اروپایی برای بررسی دوره مغول بوده است: کتاب‌های به زبان چینی مانند:

- هسی یوچی: «سفرنامه چانگ چون راهب تائویی چین به شرق»^۹
- منگ تا پئی لو: «خبر مفصل درباره مغولان» نوشته چائو هونگ (? ۱۲۲۱)^{۱۰}
- هئی تا شی لیو: «تفصیلات درباره تاتارهای سیاه (مغول)» مؤلفان پنگ تایا و سو تینگ. ۱۲۳۷

- شنگ وو چین چی یئن لو: «توصیف سفرهای شخصی جنگجوی مقدس (چنگیزخان)، ی بی چی هسینگ: «یادداشت‌های یک سفر به مرز شمال» نوشته چانگ ته هوئی، چار پو تسینگ لو: «تاریخ عمومی استیلاء»
- لیاو چی: «انسان سان شی کو یوه چیه: توضیح واژگان بیگانه در سالنامه‌های سال‌های گیتا، جورچ و مغول» (۱۸۷۱)
- هوانگ یوان پینگ ی یئن لو: «سفر مغولان به برمه»
- پینگ سونگ: «شکست دولت سونگ» تألیف لیو مین چونگ.
- پئی هسوان سی یی: «باب هشتم: تفصیلات دربار سفرهای شمال» مؤلف: لیو چی یه.

۵. عبدالله بن فضل الله و صاف الحضرة. اثرش در ۷ جلد و ترجمه الاعصار، حوادث سال ۶۵۵ تا ۷۲۸ هجری را شامل می‌شود.

۶. نخستین جلد اثر مشهور رشیدالدین فضل الله که به زبان فارسی و نام جامع التواریخ می‌باشد، مربوط به مغولان بوده و در سال ۷۰۲ ق تألیف شده است. در این اثر، ما خواهیم دوباره از اهمیت این اثر سخن بگوییم چون این اثر بسیار شناخته شده و به عنوان یک منبع تاریخی مورد قبول واقع شده است. ولادیمیرتسف پژوهش‌های پیرامون این را به شکلی زیبا خلاصه کرده است. (Vlad. Iqt., § ۶). تنها به این نکته اشاره کنیم که رشیدالدین از گفته‌های نماینده خان مغول در دربار ایران، شخص غازان خان و همچنین از یک اثر مغولی به نام آلتان دبتر استفاده کرده است. (ن. که همین گفتند).

۷. معین الدین محمد الاسفزاری در اثر خود با نام روضه الجنات فی اوصاف الدوله در اواخر قرن دوازدهم استیلاي قشون مغول بر خراسان و حکومت آنان بر این خطه اطلاعاتی ارائه می‌کند.

۸. از آنجا که تواریخ اسلامی مربوط به دوره مغول برای هر مورخی شناخته شده‌اند، در اینجا تنها مهمترین اثرهایی نام برده شد که براساس از مغولان بحث کرده‌اند.

۹. درباره این اثر ن. که: توضیحات ولادیمیرتسف. (Vlad. Iqt., § ۹)

۱۰. همان. (Vlad. Iqt., § ۹)

- یوان شی. «تاریخ خاندان یوان (مغول)».^{۱۱}
آثار ارمنی زبان^{۱۲} را نیز باید ذکر کنیم.

پیش از آنکه به منابع تاریخی به زبان مغولی مرتبط با دوره مغول وارد شوم، مختصراً به مسئله آثار زبان نوشتاری مغولی می‌پردازم: «از نیمه نخست سده سیزدهم به اسناد مکتوب زبان مغولی برخورد می‌کنیم»^{۱۳} اگرچه دوره باستان که سده سیزدهم را در برمی گیرد، از نظر مدارک پربار نیست ولی با ظهور «تاریخ محرمانه مغول» اهمیت فراوان می‌یابد. تا دوره اخیر گمان می‌رفت که آثار یک دوره سیصد تا چهارصد ساله از این دوره تا سده هفدهم که ادبیات بودایی برتری داشت، تنها عبارت از فرامین، کتیبه‌ها و مکتوبات بوده است. «اکنون معلوم شده است که مغولان توانسته اند بسیاری از محصولات فرهنگی دوره یک تاریخ خود را یعنی از زمان سقوط خاندان یوان تا دوره احیاء که در نیمه دوم سده شانزدهم آغاز شد، نگهداری کنند. معلوم شده است که ادبیات و نوشتار در میان مغولان

۱۱. م. پورتو. منابع چینی مربوط به دوره مغول، بخشی از سالنامه‌های چینی به نام «یوان شی» (تاریخ یوان یعنی تاریخ خاندان یوان (مغول) می‌باشد. این اثر دولت مغول را در چین رسماً معرفی می‌کند. (۱۳۶۷-۱۱۷۷). اگر چه این «حقیقتاً از ۱۲۰۶ آغاز شده و از وقایع پیش از دوره مغول نیز بحث کرده است ولی متأسفانه در این سالنامه‌ها معلومات مربوط به دوران باستان بسیار اندک است. ولادیمیرتسف می‌نویسد که این اثر چند بار به مغول نیز ترجمه شده و دو نسخه خطی آن در موزه آسیایی لنینگراد موجود می‌باشد. (۹ §, ۱۱۱۱ ad. ۱۱۱۱). علاوه بر این: مقایسه کنید با:

-P. Pelliot. Notes sur le Turkestan..., TP, XXII, ۱۹۳۰, p. ۱۴;

-J. Klaproth, JA, ۱۸۳۰, t. VI, p. ۱-۴۱ v. s.

۱۲. واسیلی بارتولد به شکلی تحلیلی از دیگر منابع اس. می، چینی و ارمنی مربوط به دوره مغول بحث کرده است. ن. ک:

-Turkestan v epoxu monqol'skogo vlašesviya, SPB, ۱۹۰۰, p. ۱-۶۰.

۱۳. ولادیمیرتسف زبان نوشتاری مغولی را به سه دوره تقسیم می‌کند: الف) زبان نوشتاری باستان: (۱) دوره باستان (سده ۱۳). ۲) دوره میانه (سده‌های ۱۴، ۱۵ و ۱۶). ۳) دوره گذار (سده ۱۷). ب) زبان نوشتاری جدید: دوره نوکلاسیک (سده‌های ۱۸ تا ۲۰). (۲۰۳-۲۳۳, ۲۰۳-۲۳۳, ۲۰۳-۲۳۳, ۲۰۳-۲۳۳).

۱۴. نوشته ۵ سطر مغولی که با حروف اویغوری بر روی سنگ و در سال ۱۲۰۰-۱۲۱۰ نوشته شده و در کنار دریاچه بایکال یافت شده، به عنوان قدیمی ترین اثر این زبان شناخته شده است. عمل سنگ اکنون در موزه آسیای لنینگراد بوده توسط ا. اشیمت و د. باتزاروف و ا. کلوکین پژوهش شده است. برای دیگر آثار این دوره ن. ک:

-B. Laufer. Skizze der mongolischen Literatur, KSz, VIII, ۱۹۰۷, p. ۱۹۱-۲۰۱.

منقطع نشده و سنن ادبی خاندان یوان تداوم یافته است.^{۱۵}
 اینکه اروپاییان از دوره میانه زبان مغولی با عنوان «خلاء» یاد کرده اند، بدین معنا نبوده
 که در این دوره اثری بوجود نیامده بلکه این تلقی از آن جهت پدید آمده است که این آثار
 برای اروپاییان ناشناخته مانده است. هنگام بحث آتی درباره منابع مغولی تاریخ بار دیگر به این
 مسئله خواهیم پرداخت.^{۱۶}

پوزدنیف^{۱۷} ادبیات تاریخی مغولان را به سه دوره تقسیم کرده است:

- ۱- آثار اصیل حائز اوصاف حماسی.
 - ۲- آثار تحت تأثیر تواریخ چینی.
 - ۳- آثار تحت تأثیر منچو.
- ب. لارنیز یک گروه چهارم یعنی کتابهای ترجمه شده از تبتی به مغولی را به این دسته

۱۵. برخی از پژوهشگران قابل توجه درباره این دوره در ولادیمیرتسوف (Vlad. 1qt., § ۵)، ترجمه
 مغولی I. Matn, Bib-liotheca Buddhica, XXVIII, s.III-V; Bonin, avatara
 Monqolskiy Dancur, Doklady Akad. Nauk SSSR, ۱۹۲۱, s. ۱۱-۳۴; Nadpisi na
 skalax Xalxasskago Tsoktu-Tayci, I-II, Izvestiya Akad. Nauk SSSR, ۱۹۲۶-۲۷
 و همچنین منابع چینی پیرامون فرمان مغولی ربار مینگ و مکتوبات مغولی حکمرانان مینگ به رؤسای
 مغول وجود دارد. ن. ک:

- Pokotilov. Istoriya vostochnykh monogolov v period dinas-tii min ۱۳۶۸-۱۷۳۴, po
 kitayskim istočnikam, SPB, ۱۸۹۳, p. ۱۷, ۱۳۹, ۱۶۸;

M. de Mailla. Histoire generale de la Chine..., X, s. ۲۱۸; Sanafi-ssetsen tari-xi, p.
 ۲۰۰.

۱۶. در اینجا به جزئیات درباره آثار ادبی که در ادوار بعدی پدید آمده اند، پرداخته ایم و طالبان اطلاعات
 بیشتر را به آثار زیر احواله می‌کنیم:

-B.Laufer. Skizze der mongolischen Literatur, Keleti Szemle, VIII, ۱۹۰۷, p. ۱۶۵-
 ۲۶۱;

ترجمه روسی آن:

Očerki mongolskoy literatury, pe-revod V.A.Kazakeviča, Leningrad, ۱۹۲۷.

اثر آلمانی لوفر از نظر مرجع شناسی کهنه شده و ترجمه روسی آن با تعلیقات منتشر شده است.

-B. Vladimirtsov. Sravnitel'naya grammatika monqolskago pismenna-qo yazıka
 i xalxasskago narečiya, Leningrad, ۱۹۲۹, p. ۳۴-۳۵

۱۷ - A.Pozdneyev. Monqolskaya xrestomatiya, SPB, ۱۹۰۰, p. IX.

بندی افزوده است.^{۱۸} «تاریخ محرمات مغول» که به توضیح آن وارد شده ایم، مهمترین اثر دوره باستان دارای اسلوب حماسی است که درباره آن تفصیلات ارائه خواهیم کرد. بنابر آنچه از اشارات برخی آثار استنباط می‌شود، در زمان چنگیزخان قوانینی تحت نام جاساغ (یاساغ، یاسا) بوجود آمده بود. مثلاً در «تاریخ محرمات مغول» چنین گفته می‌شود: «سپس چنگیزخان شیگی خوتوخو را به ریاست محکمه عالی مفتخر گردانید و به او گفت: «همه گناهکاران را در قلمرو اولوس مجازات کن، دروغ را از میان بردار، آنانکه شایسته مجازات مرگ هستند، اعدام کن، از آنانکه سزاوار مجازات (نقدی) هستند، پول بگیر.» و در ادامه گفت: «مسئله تقسیم مردم و تصمیمات محکمه به کؤکو دتر (دفتر آبی) نوشته و ضبط گردد. سخنانی که شیگی خوتوخو در پایان کنکاش با من به خط آبی بر کاغذ سفید بصورت دست نوشته، از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد و کسی آن را تغییر ندهد، تغییر دهنده‌گان مجازات شوند.» (بند ۲۰۳)

در این باره اطلاعاتی نیز در اثر مقریزی داده شده است ولی افسوس که این یاساغ به دست ما رسیده و به صورت متن کامل تاکنون یافت نشده است.^{۱۹} علاوه بر این بیلیک (وجیزه، حکمت‌های چنگیزخان در عصر او نوشته شده بود. این وجیزه‌ها در آثار مؤلفان مختلف و برخی آثار مغول نیز به دست ما رسیده است.^{۲۰} مضافاً می‌توانیم به عنوان آثار تاریخی از نوشته‌ها، فرامین و امرنامه‌های مختلفی یاد کنیم که در سده ۱۳ میلادی از آنجا سرشته شده‌اند. از نشرهای سالهای اخیر از آثار مغولی که ابتدا در دانشگاه غازان و سپس در دانشگاه لنینگراد انتقال یافته و اکنون در موزه آسیایی

۱۸ - B.Laufer, op. cit., p. ۴۰.

۱۹. مقایسه کنید با:

-W.Barthold. *Turkestan v epokhu...*, SPb., ۱۹۰۰, s. ۴۱, ۴۲, ۵۴, ۳۹۱, ۴۶۱;

-B.Vladimirtsov. *Čingis-xan*, Petrograd-Moskva-Berlin, ۱۹۲۲, s. ۸۱.

۲۰. در صفحه ۱۰ ولادیمیرتسوف این موارد درباره این موضوع ذکر شده است:

-W.Bartold, op. cit. p. ۴۱, ۴۲;

-V.Kotvič. *Iz poučení Čingis-xana* (ترجمه مغولی)،

-Vos-tok, ۱۹۲۱، ص ۹۴-۹۶;

-W.Barthold. *K voprosu ob uyqurskoy lite-rature i yego vliyanii na monqolov*, Jivaya starina, ۱۹۰۷، ۱۹۰۹، p. ۴۲-۴۶;

-«Mitteilungen d. Seminars f. Or. Sprachen», IV, Berlin, ۱۹۰۱، p. ۲۵۴-۲۵۵;

-d'Ohsson, I, ۱۸۵۲، p. ۳۸۶-۴۱۹

لنینگراد نگهداری می‌شود، دانسته شده است مطالبی غنی مربوط به ادبیات مغول موجود می‌باشد ولی چون تنها بخشی از اینها بررسی شده، دیرزمانی برای دانشمندان اروپایی مجهول مانده است.^{۲۱}

کتاب «آلتان توبچی» از مؤلفی گمنام و کتاب سانانگ سچن شاهزاده اوردوس که در ادامه از آن بحث خواهیم کرد، مقام اول را در میان آثار تاریخی ادوار بعدی به خود اختصاص داده است. همچنانکه پیشتر نام بردیم مؤلف «جامع التواریخ» نیز گفته است که به هنگام تألیف کتابش، از یک اثر مغولی به نام «آلتان دبتر» بهره برده است.

از آنجا که دلایل قطعی در دست نیست، معمای «آلتان توبچی» و «آلتان دبتر» همچنان لاینحل باقی است. به دشواری می‌توان گفت آلتان دبتر که رشیدالدین می‌گوید، همان آلتان توبچی است که در دست ماست. اریک هینس می‌گوید که اصل کتاب تاریخ محرمانه مغول با حروف اویغوری از طرف رشیدالدین مورد استفاده قرار گرفته است.^{۲۲} به نظر او آلتان دبتر که رشیدالدین از آن یاد می‌کند، همان تاریخ محرمانه مغول است ولی کوزین معتقد است که مغولان از قدیم الایام، روایاتی درباره تبار و شجره خاندانها داشتند که از نسلی به نسل دیگر ادامه داشت که از آنها را ابتدا «دبتر» و سپس «توک» نامیدند.

اینها از زمانهای قدیم با صفتی چون «آلتان» (سرخ، زرین)، «کوک» (آبی)، «شیرا» (زرد) و «چاغان» (سفید) توصیف می‌شدند.^{۲۳} به نظر کوزین، تاریخ محرمانه مغول می‌بایست خلاصه ای از چنین دفتر رسمی نبی باشد که از آن باشد که برای طبقه گسترده مردم ترتیب یافته است.

بر اساس این نظریات اگر بپذیریم که آلتان دبتر همان تاریخ محرمانه مغول نیست، بدون تردید می‌توانیم بگوییم که حداقل اینها با الهام از یک دیگر نوشته شده‌اند. در نتیجه نشر تطبیقی کوزین مشخص شده است که ۸۳ درصد آلتان توبچی با تاریخ محرمانه مغول یکی است. به اعتقاد او آلتان توبچی یا از نسخه اویغوری تاریخ محرمانه مغول که بر ما ناشناخته است، اقتباس شده و یا از طریق ترجمه نسخه چینی همین اثر به اویغوری پدید آمده است.

۲۱ - B. L. G. ۱۹۲۷, *Cherk monqolskoy literatury*, Leningrad, ۱۹۲۷;

- مقدمه ولادیمیرتسف. صص ۳-۱۳۶-۳۴۱. Gr. p. ۳۴۱.

ب. لوفر به این مسئله پرداخته که آثار روسی در خارج کمتر شناخته شده‌اند و بدرستی از روند کاری محافل علمی روسیه گلابه می‌کند: Op. cit., p. ۴۷.

۲۲ - Haenisch. NT, p. IV.

۲۳ - Kozin, p. ۲۰.